

# تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی (۱۱)

ایرج افشار

۳۵۷

به عطا طاهری و یعقوب غفاری  
دو دانشمند کوه‌گیلویی

هزار صندوق مگس کوه‌گیلو

در بیاض تاج‌الدین احمدوزیر مورخ ۷۸۲ که از پر مطلب‌ترین سفینه‌های قدماست و فوایدی در بر دارد که هر یک منحصر به همان جاست، چند نامه و شعر آمده است که نام منشی و نویسنده آنها به علت افتادگی و درهمی اوراق بیاض مکتوم است. ولی آنقدر که مشخص است این است که نویسنده آن نامه‌ها در زمان کتابت آن مجموعه در گذشته بوده است. به همین مناسبت به دنبال چند نامه‌ای که ازو نقل شده جمله «علیه الرحمه» به تحریر در آمده است.

این چند نامه و شعرها که در صفحات ۸۸۱ تا ۸۹۲ نسخه چاپی بیاض (اصفهان ۱۳۵۳) درج شده ممکن است به خط محمدبن محمودبن محمد محرر شبانکاره‌ای باشد. آنچه از میان آن چند نامه، اهمیت خاص دارد مکتوبی است که منشی مذکور در طلب زنبور عسل نوشته و از مخاطب خود خواسته بود «یکصد هزار صندوق مگس کوه‌گیلو» به جانب او روانه کند.

پس مشخص است که در قرن هشتم در کوه‌گیلو زنبور عسل آنقدر بوده است که یکهزار صندوق آن را کسی از محلی دیگر خواسته بوده است تا برای او بفرستند. زیرا با نزول آفات سماوی زنبورهای آن «ولایتی» که آن منشی و احتمالاً امیری که منشی مذکور از اتباع او بوده

است از میان رفته و پراکنده شده بوده‌اند. این است متن نامه مذکور:

### و من منشأته عليه الرحمة في طلب النحل

انها می‌کند که در ولایت این مملکت امرا و لشکریانی که به منشور «و اوحی ربک الی النحل ان اتخذی من الجبال بیوتاً و من الشجر و مما یرشون» پیوسته بر شواهد کوهسار و شماربغ اعضان و اشجار در خزان و بهار خیمه‌های مسدس و مثنی از خز اذکن در یکدیگر می‌پیوستند و در بیلاغ و قیشلاغ از لطایف زهرات «ثم کلی من کل الثمرات کالطیر یقع علی الشجر و یأکل من الثمر و لایدری مال الخیر» علفخوار می‌کردند لشکری جزّار که به حکمت آفریدگار همه باستان آبدار و ناوک آتشبار از مادر فطرت در وجود آمده‌اند کوبه ایشان چون موکب سلیمان در میدان هوا جولان کردی، حشمتی نامدار و حشری فرمانبردار تابع امر و نهی و مشرف به الهام و وحی در سکون مسالک «واسلکی سبل ربک ذللاً» هر یک مخصوص به هدایتی و در باب شیرین‌کاری آیتی. هر فردی از افراد مشتمل بر امور متضاد از نوش و نیش، و مرهم و ریش، و داء و دواء، و رنج و شفا. فوّهات ایشان زهاب چشمه «وانهار من غسل مصفی» مدتی است تا بواسطه هجوم یاوگیان آفات سماوی از مفردخانه‌های [ی] ارضی جلا کرده «کاتهم جراد منتشر» در اطراف متفرق گشته‌اند.

۳۵۸

شعر

دخل الزمان علیهم فتبدوا  
و تشتتوا و تفرقوا ایدی سبا  
و محزّر داروخانه «و یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه شفاء للناس» که به حقیقت دارالشفاء عموم خلائق بود معطل گذاشته، بنا بر فرط اتحاد اعلام رفت اگر نواب نامدار اشارت فرمایند و یک هزار صندوق مگسها [ی] گزیده «کاندترین ملک چوطاوس نگارند مگس» از نحلات کوه‌گیلو روانه گردانند به سوابق الطاف ملحق و مضاف گردد. و السلام علی جنابه العالی.

\*\*\*

توضیحی دیگر اینکه در صفوة الصفاى ابن بزّاز تفصیلی در باره «نحل» دارد که به دنبال متن مذکور در فوق به یکبار خواندن ارزش دارد.

### نمونه‌ای از تابلوهای بیابانی

در راه‌کنده‌ان به سیاه‌بیشه چندین تابلوی مفید، البته برای توجه دادن مردم باسواد به حفظ مراتع نصب شده است. نوشته یکی را نقل می‌کنم:  
«مراتع دایه بی‌مزد و عفت خاک است.» امیدوارم خوانندگان بتوانند مرا از مفهوم و معنی این عبارت آگاه سازند.

ویرانه قلعه ترکان ترکان در سه کیلومتری نهاوند بر بالای بلندی روستای کوهانی قرار دارد. از آن حشمت قدیم اکنون چشمه و چنار بسیار قطور درون سوخته آن پایدار مانده است. اما چشم‌اندازی زیبا دارد.

جز آن حمام حاجی آقا تراب سردر زیبایی دارد و ماده تاریخش در سنگ یکپارچه هلالی شکلی به خط نستعلیق نقر شده است.

سنه ۱۲۸۹، هو الله العزیز الوهاب

شکرالله یسافته انجام از حق این بنا

در زمان شاه عادل ناصر دین خدا

آفتاب برج عزت سبط پیغمبر تقی

صاحب محراب و منبر جانشین اوصیا

بنانی این امر معظم گشت اندر سال قحط

تا گه از فیضش رسد هر بینوایی را نوا

داد فرمان همایون اصغر معمار را

که کشد طرح و کند گرمابه را از نو بنا

شد بنا و شد تمام الحق چو فردوس برین

سلسبیل آسا دروغلطان چو لؤلؤ آبها

طاقها هر یک بخوبی طاق چون ابروی یار

بابها محکم چو عهد عاشقان با وفا

بهر تاریخش «نوا» بی‌نوایی خوش بگفت

آفرین بر نیت بنانی این محکم بنا

سنه ۱۲۸۸

با هماواری محمد حسین اسلام‌پناه خوانده شد.

عبارت «حرره المذنب محمد امین بن مرحوم میر نجف غفرالله ذنوبه» در چهار گوشه گل‌نداز کتیبه دیده می‌شود.

مراد از سال قحط سال ۱۲۸۸ هجری قمری است که صدماتش در کتابها و یادداشتها مکرراً مذکور شده است.

نقاشی رستم و دیو سفید حمام را که از کاشیهای چهارگوش هفت رنگ مورخ ۱۲۹۰ ساخته شده و در صحن مردانه نصب است نیز باید دید و بر ذوق والای پیشینیان آفرین گفت.

حاجی آقا ابوتراب مسجدی هم ساخته بوده است و آنجا سنگایی هست که دوبیت شعر

محتشم کاشانی به خط نستعلیق خوش بر آن کنده شده و عمل «استاد محمد حسین حجار ۱۲۷۵» است.

درین مسجد جزوی از یکصد و بیست پاره قرآن مجید دیدم که وقفنامه مورخ ۱۲۴۵ دارد به این عبارت: «ثواب آن را نصیب ماما شرف بیگم دختر میرزا محمد شفیع صدراعظم کند، ۱۲۴۵». این قرآنها وقف همایون میرزا همسر ماه شریف بیگم بوده است.

شب را قلندروار در خانه دلنشین عزت‌الله سیاوشی گذراندیم. صحبت‌مان گل انداخته و به جهان شعر و شاعری کشیده بود. ایشان دیوان میرزا ابوالحسن خان امید‌نهادی را که در روزگار محمد شاه قاجار می‌زیسته است آورد.

دیوان این شاعر را تقی ترابی در سال ۱۳۳۹ شمسی در تهران چاپ کرده است. میرزا ابوالحسن که جدا‌اعلای چاپ‌کننده دیوان است به مجذوب‌علی شاه دست‌آزاد داده بود. شاعر متولد ۱۲۱۰ بود و در دستگاه محمود میرزا مقامی و احترامی داشت. اما پس از چندی به دستور او چشمانش را کور می‌کنند.

### کتابخانه امروزی

کتابخانه دانشگاه توپینگن شعبه‌ای خاص کتابهای ملل شرق نزدیک (عرب و ترک، ایرانی...) دارد. این کتابخانه از لحاظ مجموعه‌سازی در زمینه کتب شرقی امروزه شهرتی عالمگیر گرفته است. این مجموعه در سراسر اروپا بی‌نظیر شده است. در آمریکا هم شاید بدین نظم و کمال مجموعه‌ای نباشد که هر ماه افزوده‌ها و تازه‌ها و خریدهای خود را بشناساند.

ببینید پشت فهرست ماهانه خود در مورد طرز استفاده از کتابخانه چه نوشته‌اند: کسانی که مقیم توپینگن باشند یا به توپینگن سفر می‌کنند می‌توانند از کتابهای کتابخانه بدون مانعی در تالارهای کتابخانه استفاده کنند. کتاب به آنها قرض داده می‌شود.

کسانی که در شهرهای دیگر استفاده می‌کنند می‌توانند بطریقه قرض میان کتابخانه‌ها از مجموعه دانشگاه توپینگن استفاده کنند.

سفارش تهیه فتوکپی از مقالات مجلات و مجموعه‌ها بوسیله نامه، فاکس و E-Mail پذیرفته می‌شود.

### مارلیک و نگهبان

شصت و چهار سال پیش با عزت‌نگهبان بر روی یک نیمکت چوبی در مدرسه زرتشتیان تهران درس می‌خواندیم. بچه‌ها آزارش می‌دادند و سربه‌سرش می‌گذاشتند، چون ریزه‌نقش بود. او با من مانوس و همبازی بود. حشر و نشر میانمان تا دوره ادبی دبیرستان ادامه داشت. چون برای تحصیل به آمریکا رفت سالها از او بی‌خبر افتادم. وقتی بازگشت مقام علمی دانشگاهی در

رشته باستانشناسی یافت و رئیس سازمان باستانشناسی کشور شد و به تدریج توانست با علم نوین و روش علمی در سه منطقه ناشناخته (زاغه قزوین - مارلیک سپیدرود - هفت تپه خوزستان) حفاریات با روش انجام بدهد و سه تمدن دیرینه مهم را از دل زمین به در آورد. پس به حق شهرتی یافت جهانی. نخستین باستانشناس ایرانی است که در دنیای علمی مرتبتی واقعی و بدون هیاهو و گزافه پردازی پیدا کرده است و فخر بوما که عزت عزیز من از عزت و احترام جهانی برخوردار یافته.

دیروز فهرست ماهانه بخش شرق شناسی دانشگاه توپینگن آلمان به دستم رسید. در بخش «تاریخ فرهنگی» آن دیدم خبر از انتشار کتاب تازه عزت داشت. این کتاب درباره خنجرها، شمشیرها، قمه‌ها، پیکانها و دیگر سلاحهایی است که از دل تپه‌های مارلیک به درآمده. نام و نشان کتابش را می‌آورم که علاقه‌مندان بتوانند تهیه کنند و اگر نمی‌توانند در کتابخانه‌ها بخوانند. کتاب در ۱۲۳ صفحه است و جزء نشریات اتصالی به مجله باستانشناسی ایران آلمانی است.

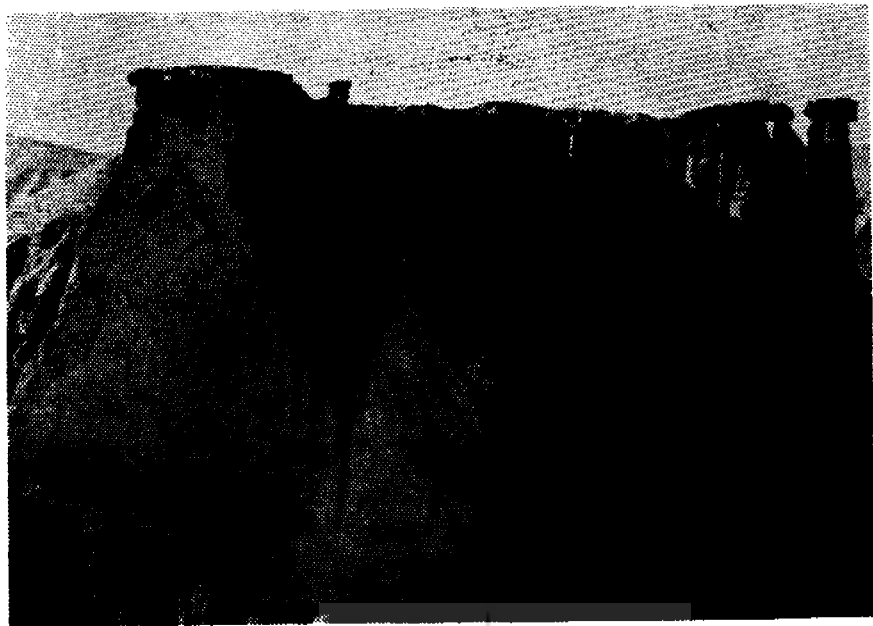
weapons from Marlic. Berlin, Reimer, 1995.

### آبکندها و قلعه باستانی بهستان

بخشی از مسیر رودخانه قزل اوزن در کوههایی است که آبادی با نام و نشان آن «ماه‌نشان» است. این نام را در یکی از متون قدیم که حالا نامش به یادم نیست «ما نشان» دیده‌ام. قزل اوزن از کوههای کردستان سرچشمه می‌گیرد و پس از گذشتن از کوههای دیواندره و بیجار با رود تلوار که سرچشمه‌های عمده‌اش کوه‌های سنندج است یکی می‌شود و باز با چند رود کوچک دیگر که بدان «ریهیده» (به قول تستری مترجم مسالک و ممالک) می‌شود با نام قزل اوزن از کنار ماه نشان و آبادیهای آن بخش می‌گذرد و پس از تلاقی با زنجانه رود و گذشتن حدود سی کیلومتر در کنار جاده زنجان - میانه در نزدیکی میانه با سه رود دیگر (شهری چای، قرقو، آیدوغمیش) که بدان افزوده می‌شود به سوی کوههای جنوبی خلخال می‌رود و پس از گذشتن از رودبار طارم با نام سپیدرود به دریا می‌ریزد.

ماه‌نشان منطقه‌ای رودباری است میان کوههای زنجان از سوی شرق، کوههای تخت‌سلیمان، تکاب و صائین‌دژ از سوی غرب. از سه راه به این ناحیه می‌توان رفت. یکی از کنار رباط نیک‌پی (که در چهل کیلومتری زنجان - میانه) است. دیگری از سوی تکاب و سومی از میانه راه زنجان به بیجار. البته راهی فرعی هم دارد که از زنجان به کهریز و ایلیکی بلاغ و سپس ماه‌نشان می‌رسد. راه نیک‌پی به ماه‌نشان خاکی است (چند باری که به آنجا رفتم) و چون از کوهها و گردنه بلندی می‌گذرد دو ساعت وقت می‌خواهد.

در نزدیکی ماه‌نشان (به فاصله پانزده کیلومتر) دو آبادی روبروی هم در این سو و آن سوی قزل اوزن به نامهای بهستان و... واقع شده است. آبادی بهستان آن سوی آب است و مواقعی که



○ قلعه بهستان

آب قزل اوزن کم است با اسب و اتوموبیل از آب می توان گذشت و بدان مکان رسید. برای رسیدن پیاده و ماشین باید پس از گذشتن از پل بزرگ نزدیک ماه نشان جاده‌ای را درپیش گرفت که به سوی آن ماشین روست. در اینجا بر فراز آبکند کنار رود بقایای قلعه دستکند دیده می شود که عکسش را می بینید. از عجایب آنجا نقب تارییح است که از بلندی تپه می توان بوسیله پله کان به لب آب آمد. ساکنان قلعه آب می برداشته و به محل سکتهای خود می برده اند.

#### دور شدن از متن

به دانش پژوه می گفتم آیا شنیده اید برخی معتقد شده اند که برای معرفی و تفهیم متون پیشینه باید آنها را ضمن گزیده ساختن، از دشواریهای متنی پیراست و در موارد لزوم به زبان کنونی و بی تکلف نزدیک شد و معتقدند که از این راه می توان آنگونه نوشته های دورمانده و مهجور شده را احیاء کرد.

فرمود بهترین راه برای دور شدن از متن همین روش است.

#### ایران و تنظیمات

اصول «تنظیمات» که در عثمانی منشأ تحولات اساسی اجتماعی شد آرام آرام تأثیراتی در

افکار رجال مهم ایران مانند میرزا تقی خان امیرکبیر، میرزا ملکم خان ناظم الدوله و میرزا حسین خان سپهسالار برجای گذارد. طبعاً موجب این فکر شده بود که برای تجدید و تازه شدن باید چنان اسلوب و رویه را درپیش گرفت. انجا پیستور حاتم در باره این موضوع رساله دکتری به زبان آلمانی نوشت که کتابفروشی شوارتز آن را به چاپ رسانیده است. البته ارزش دارد که آلمانی دانی آن را ترجمه و نشر کند. به این منظور مشخصات کتاب مذکور را می آورم.

Pistor - Hatam, Anja: Iran und die Reformbewegung g im osmanischen Reich: Persische staatsmanner, Reisende und oppositionelle unter dem Einfluss der Tanzimat. Berlin: Schwarz, 1992 - III, 260 S. - (Islamkundliche unter suchungen; 158).

برای ادای احترام به عبدالله شیبانی

مهندس احمد رضوی از زندان آزاد شده بود و چون از بابت حق التالیف کتابی که در سلسله انتشارات دانشگاه از او چاپ شده بود ~~مطلبی~~ داشتت روزی به دفتر اداره انتشارات آمد و با شوخی و طعنه گفت: چرا حق التالیف مرا نمی دهید. جرأت این کار هم نداریدا من از سابقه هیچ گونه اطلاعی نداشتم ولی با مهندس رضوی از زمان جلسات ادبی مجله یغما دوستی داشتم و مکرر او را در دفتر مجله یغما و خانه یغمایی دیده بودم و میانمان انس و محبتی ایجاد شده بود. گفتم می دانید چاپ این کتاب مربوط به دوره کار من نیست. بگذارید سوابق را ببینیم تا اقدامی که ضرورت دارد انجام شود. پرونده را که دیدم معلوم شد حق با اوست. مبلغی حدود سه هزار تومان طلبکار بود. مطلب را با دکتر عبدالله شیبانی معاون مدبر و حقیقت دوست و صلاح اندیش دانشگاه در میان گذاشتم، زیرا مالاً ایشان می بایست ورقه چک را امضاء می کرد و بدهی رضوی داده می شد. به من فرمود دانشگاه با سیاست کاری ندارد. اگر ایشان چنانکه می گویی محق اند و مطالبه ای دارند که قانونی است فوراً نسبت به پرداخت آن اقدام کنید. من جوابگوی هرگونه سؤالی خواهم بود.

دانشوری - روشنفکری

در زبان اردو به جای روشنفکری کلمه «دانشوری» می نویسند و معنی intellectualism از آن درمی یابند.

اخیراً کتابخانه خدابخش پتته (هندوستان) مجموعه مقالات سمینار دانشوری را در شماره ۹۹ «جرنل» خود (۱۹۹۵) چاپ و نشر کرده است. بیش از بیست مقاله درین مجمع خوانده شده بوده است.

مقاله ممتاز حسین در باره دانشوی و شاعری حاوی شواهد و اشارات متعددی به اشعار

لطیف و افکار روشن ضمیرانه شاعران پارسی سرا است.

### در باره عیاران

رسالة دکتری محسن ذاکری در دانشگاه یوتا - سالت لیک سیتی (آمریکا) که اخیراً در آلمان به چاپ رسیده در باره سربازان ساسانی است که در جوامع نخستین مسلمانان می زیسته‌اند و او آنها را سرچشمه به وجود آمدن گروه عیاران و اهل فتوت دانسته است. انتشارات هاراسوویتز که معمولاً کتابهایی را چاپ می کند که در آنها مباحث تازه به روش علمی مطرح شده باشد. آن را به چاپ رسانیده عنوان کتاب مذکور نقل می شود.

Sasanid soldiers in early muslim society. The origins of Ayyaran and Futuwwa.

Wiesbaden: Harrassowitz, 1995. -XII, 391 s.

### عقول عشره و سعی مشکور

به مناسبت مجموعه‌ای که دوستان مرحوم دکتر محمد جواد مشکور به افتخار او تدوین می کردند مقاله‌ای در باره کتاب «عقول عشره» تألیف محمد براری امی بن محمد جمشیدبن جباری خان مجنون خان قافشال در سال ۱۰۸۴، نوشته و دادم که در مجموعه مذکور موسوم به «سعی مشکور» چاپ شد. اما یک صفحه آخرش از درج کلام ساقط شده است. لذا آن یک صفحه را که حاوی اطلاع ضروری درباره تألیفات دیگر آن مؤلف است درینجا چاپ می کنم تا دارندگان آن کتاب بتوانند مطلب را در صفحه سفید مانده آن کتاب دست نویس کنند. این است عبارات افتاده:

«مؤلف عقول عشره درین کتاب از دو تألیف دیگر خود نام می برد. یکی از آن دو «مجمل مفصل» نام دارد که در صفحه ۳۱ از آن یاد کرده و نوشته است:

«مؤلف تألیفی دارد مسمی به مجمل مفصل در تاریخ شروع و اتمام آن قطعه‌ای گفته که از عبارت ظاهرش تاریخ شروع آن معلوم می شود و از اعداد حروف او به حساب جمل تاریخ اتمامش مستفاد می گردد. این همه از نوادر اتفاق است و خالی از غرابتی نیست.

این نامه که تألیف نموده است «امی» بسیار به محنت و به رنج آمده است  
تاریخ شروع و سال اتمامی آن چون منبع و مخزن دو گنج آمده است  
از روی حساب و ظاهر الفاظش گفتم که هزار و شصت و پنج آمده است»

موضوع کتاب خلاصه حوادث تاریخی تا سال ۱۰۳۷ هجری و بنا به تحقیق استوری دو جلد است. استوری آن را معرفی کرده (۱: ۱۲۴۲) و نشان داده است که نسخه‌هایی از این تألیف وجود دارد. مشخصات همانها را «مارشال» در کتاب بسیار مفید «مغول هند» که کتابشناسی زبان فارسی در هندوستان آن روزگاران است آورده است [بودلیان ۱۰۱ - بنگال (ایوانف) ۳۳ -



استوری یادآوری کرده است که تألیف جلد دوم در سال ۱۰۷۹ به پایان آمده بوده است. تألیف دیگر اُمّی قاقشال که تاکنون نسخه‌ای از آن شناخته نشده، زیرا ذکرش از آن در فهرست‌های استوری و مارشال نیست اما ذکرش در عقول عشره به دنبال «مجمعل مفصل» آمده کتابی به نام «طبقات تیموری» است، بدین صورت:

«هم مؤلف تاریخی دارد که نامیده است او را به طبقات تیموری. در تمامی آن قطعه گفته این هم خالی از ندرت نیست.

چون درین سلک جواهر سعی عقل  
طبع «اُمّی» از پی تاریخ آن  
گوهر لعل و زمرد سفته است  
هشتم ماه محرم گفته است»

### جغرافیای نسخه‌های خطی

نسخه‌های خطی فارسی، عربی و ترکی که اساس مجموعه نسخه‌های خطی اسلامی را دربر می‌گیرد با پیشامدهای گونه‌گون امروزه **قارة جاز پتج** قارة جهان پراکنده است. اکثریت این نسخه‌ها در آسیاست (بیشتر در ترکیه، ایران، هند، پاکستان و ماوراءالنهر). پس از آن در اروپا، سپس در آمریکا و در آفریقا. مقداری هم در کشورهای عربی و بیش از همه در مصرست. معدودی هم از نسخه‌ها درین نیم قرن اخیر به استرالیا برده شده است. بهترین بررسی درین زمینه فهرستی است که براساس نام کشورها توسط مؤسسه «القرقان» به انجام رسیده در چهار مجلد و چاپ شده و در دسترس عمومی است و بخوبی وضع آنها را در حدود یکصد و پنجاه کشور جهان توصیف کرده است.

تقسیم جغرافیایی نسخه‌ها گواه و گویا و نشانه‌ای است از تاریخ مدنیت و جویایی در راه علم در کشورهایی که نگاهبان نسخه‌ها می‌باشند.

اما تقسیم جغرافیایی متنهای آثار پیشینیان و نسخه‌های آنها به چند مناسبت تواند بود.

- ۱ - به اعتبار تألیف متن نسخه‌ها، هر یک در کدام منطقه انجام شده و در کدام سرزمین بیش از همه کتاب تألیف شده است.
- ۲ - به اعتبار کتابت نسخه‌ها، هر یک در کدام منطقه و به کدام نوع از شیوه‌های شناخته کتابت انجام شده است (مثلاً کشمیری، هندی، هراتی، شیرازی، تبریزی درین موارد بغدادی، شاماتی، حجازی، مغربی، بمنی ختایی). البته هر یک مظهر مکتب و اسلوب خاصی است و در هر یک از آن شیوه‌ها در قرون متفاوت خطوط متنوع نوشته می‌شده است.
- ۳ - به اعتبار آنکه نسخه‌ها اکنون کجاست و هر یک به چه مناسبت و به چه ملاحظه یا چه واقعه و ترتیبی به آن مراکز رسیده است.
- ۴ - به اعتبار موضوع نسخه‌ها از این حیث که فی‌المثل در ماوراءالنهر نسخه‌های صوفیانه

آن هم در زمینه عقاید سلسله نقشبندی بیشتر نوشته می‌شد تا کتب دیگر، یا در هندوستان نسخ سلسله چشتیه بیشتر به رشته کتابت درآمده یا آنکه قم و مشهد و عتبات از مراکز اصلی کتابت کتب فقه و کلام شیعی می‌بوده است.

## تار

تار آبادی نیمه کوهستانی زیبایی است در هفت کیلومتری طرق. طرق نزدیک نظنز در راه اصفهان است. بالای آبادی تار تپه‌ای است که بقایای قلعه قدیم است و نزدیک چشمه بابا عبدالله قرار دارد. بابا عبدالله چشمه‌ای است که از سنگ می‌جوشد.

چناری قدیمی وسط ده برکنار حسینیه و حمام دیدم که پنج نفر دست به دست هم دادند تا دوره آن در بلندی یک متر و نیم به بغل درآمد.

دره‌ای است سرسبز. درختهای تیریزی گردن فراخته‌اش جلوه‌ای به آبادی داده. به قول پرویز ناتل خانلری «سبز پوشان دره در ته‌رود».

مردم آبادی با زراعت و باغداری زندگی می‌کرده‌اند. دوستان غلامرضا کریمی گفت تا چند سال پس از جنگ جهانی دوم آبادی جمعیت طبیعی خود را داشت. دویست خانوار می‌شد. اما پس از آن به تدریج مردم به قصد کسب و کار به کاشان و اصفهان و بیشتر به تهران هجوم بردند.

اکنون جمعیت ساکن آنجا بیش از پنجاه شصت خانوار نیست. مگر دو سه هفته‌ای در تابستان که بسیاری برای هواخوری می‌آیند. ساختمانهای دویست ساله ده ویران شده است و کوچه‌ها حالت دهی دارد متروکه.

## شعری به گویش محلی

مرحوم منصور منصوری از صاحب منصبان قدیم وزارت فرهنگ (معارف) نواده میرزا مهدی‌خان منشی باشی (نیم السلطنه شیرازی) موقعی که عازم سفر آمریکا بود (و متأسفانه چند سال پیش همانجا وفات کرد) اوراقی چند که از مرحوم نیم‌سلطنه در اختیار داشت به من داد که بعضی از آنها را در آینده چاپ کرده‌ام. از جمله ورقی است حاوی شعری به گویش محلی. چون این روزها زبان‌شناسان به گویشها توجهی دارند و مجله خاص زبان‌شناسی انتشار می‌یابد آوردن عکس آن نوشته را در اینجا مناسب دیدم تا مگر از نابودی درامان بماند.

## گلزار کشمیر

از کتابهای نادری که در هند چاپ سنگی شده است (۱۹۱۳) و من نسخه‌ای از آن را در کتابخانه مدرسه السنه شرقیه دانشگاه لندن دیده‌ام «گلزار کشمیر» یا «تواریخ ملک کشمیر» تألیف

برای از حضرت اولاد و اولاد  
چونکه اولاد در تمام بلاد  
در تمام بلاد  
در تمام بلاد

سرپرست این کتابخانه است  
برای از حضرت اولاد و اولاد  
چونکه اولاد در تمام بلاد  
در تمام بلاد

در تمام بلاد  
در تمام بلاد  
در تمام بلاد  
در تمام بلاد

در تمام بلاد  
در تمام بلاد  
در تمام بلاد  
در تمام بلاد

ازادین در تمام بلاد  
چونکه اولاد در تمام بلاد

• شعری به گویش محلی

کریارام (در ۱۸۵۷) است. نسخه کتاب مذکور به شماره (18722) PM 954.6 در آن کتابخانه محفوظ است.

چون بسیاری از مضامین این تالیف برای تاریخ فرهنگ ایرانی مفید و مهم است و فرهنگستان ایران تألیف دائرةالمعارفی خاص برای چنان مضامینی را در دست تهیه دارد فهرست مندرجات آن را نقل می‌کنم.

(... بیشتر تواریخ کشمیر فارسی، شاستری وانگریزی و غالباً همگی احوال کشمیر را در بر ندارد و در تاریخهای خود از پیداوار کشمیر و انواع صنایع و فرق اهل حرفه خود ذکر نکرده و بسا قصص بعید از عقل در تواریخ خود تحریر نموده‌اند که از فسحت آباد تحقیق به صد منزل دورتر می‌نمایند. «کتاب به شش چمن به تریب شده است:

چمن اول:

گلین اول: وجه تسمیه و حد و حدود

گلین دوم: عجائبات

گلین سوم: چشمه‌های مشهور

گلین چهارم: انهار کلان

گلین پنجم: ازهار معروف

گلبن ششم: گل اول / مندرها و نیایشکده‌ها - گل دوم / در عمارات و باغات

چمن دوم:

گلبن اول: حکومت راجها

گلبن دوم: فرمانروان اسلامیه

گلبن سوم: حکمرانی سنگان

گلبن چهارم: فرماندهی شری سرکار مهاراجه والی جمون

چمن سوم: در ذکر پیداوار (به معنی محصول است)

گلبن اول: در پیداوار غلات

گلبن دوم: در پیداوار متفرقه

گلبن سوم: گل اول: درختان باغی - گل دوم: درختان جنگلی گل سوم: میوجات گل

چهارم: پیداوار ادویه

چمن چهارم

گلبن اول: جانوران پرنده

گلبن دوم: جانوران چرنده

گلبن سوم: اقسام ماهی

چمن پنجم

گلبن اول: صنایع اهل حرفه

گلبن دوم: آلات و طریق ساختن مصنوعات

چمن ششم

گلبن اول: کیفیت زعفران

گلبن دوم: کیفیت ابریشم

گلبن سوم: کیفیت خطوط مروجه

گلبن چهارم: کیفیت اوزان مقرر

گلبن پنجم: اوقات تخم افکندن اجناس در زمین

گلبن ششم: معدنیات

گلبن هفتم: مال تجارت، گل اول: آنچه از لداکبه به کشمیر می‌رسد - گل دوم: آنچه از

کشمیر به لداکھه می‌رود - گل سوم: آنچه از کشمیر به طرف هند می‌رود - گل چهارم: آنچه از هند به کشمیر می‌رسد.

### اصورت با معنی خرم شاهر

خرم اصفهانی (اصلاً بختیاری) که مقیم لبنان اصفهان بوده از شعرای دوره ظل السلطان است. دیوانش به خط نستعلیق و چاپ سنگی به نام «دشت خرم» در اصفهان (۱۳۱۸ق) چاپ شده از دیدنیهای آن دو صفحه تصویری است که بطور الحاقی یکی از ایام شیباب و دیگری زمان هفتاد و هشت سالگی او به چاپ رسیده است. چون این تصویر در همه نسخه‌های چاپی نیست آنها را درین مجله به چاپ می‌رساند تا ضمناً نقاشی باشی اصفهانی هم معرفی شده باشد. تصویر روی جلد آن هم از روی نسخه‌ای که سالها پیش در کتابخانه دانشگاه «دارم» انگلستان دیده‌ام درینجا چاپ می‌کنم که یادگاری است از صحافی ضربی در آن روزگار.

### تصویر یک ایرانی

دوستم حسین داودی که همیشه تازه‌ای دیدنی در چپته دارد تصویر نقاشی چاپی از یک اسب سوار ایرانی را که سالها پیش در مؤسسه «ساتی» در لندن فروش می‌رفته به من داد. این نقاشی زینا را الکسندر اورولوکسی در سال ۱۸۱۹ کشیده است.

اصورت ضربی روی جلد نسخه دیوان خرم در دانشگاه دارم (انگلستان)



موسسه انسانی و مطالعات فرهنگی  
جامع علوم انسانی



محمد فرخی یزدی که در عکاسخانه ماشاءالله خان در تهران انداخته و آقای رضا الفت یزدی در اختیار من گذارده است.

در دفتر یادداشت‌های مرحوم وقار السلطنه (خویش مرحوم فروغی) خواندم که وثوق الدوله در جواب رباعی معروف فرخی یزدی این شعر را از فرنگ فرستاده بوده است.  
دانی که حکومت شترگاو و پلنگ کرده است چرا عرصه به میلیون تنگ  
زیرا که تو ملت وزع مرغ کلاغ چون بوقلمون همی شوی رنگ به رنگ  
احتمالاً جناب آقای حسین مکی که دیوان فرخی را طبع فرموده‌اند و شنیده‌ام در همین ایام به تجدید جمع‌آوری و چاپ آن پرداخته‌اند می‌توانند در باره انتساب این رباعی به وثوق الدوله توضیحی مرقوم فرمایند.

داربازین - روشن - خروستان

در متون قدیم فارسی و کتب لغت ذکر «داربازین» (نوعی پنجره و طارمی) مکرر هست. لغت‌ناشناخته‌ای نیست. اما استعمال آن در متون عربی از لحاظ نشان دادن تاریخ ورود لغات فارسی در آن زبان شایسته دقت نظرست. چندی پیش در وثیقه وقف قلاون مورخ ۶۸۵ که نسخه‌اش در اداره اوقاف قاهره موجود است و آن سند به ضمیمه جلد اول کتاب تذکره النبیه فی ایام المنصور و بنیه در ۱۹۷۶ به چاپ رسیده است، این عبارات را دیدم: «باداهنج کبیر بعضه مسقف نقیا تعلوه مسترقه مسقفة غشیما، تعلوها طبقه کبری، سعته تشتمل علی معالم مجلس مضیفة - مسقف بعضها غشیما خالیة من الابواب و ذات الدور القاعة یعلوها داربازین» (ص ۳۵۲ - ۳۵۳)

همچنین در وقفنامه‌های پسرش محمد بن قلاون مورخ به سال ۷۲۶ آمده است:  
«طباق المخازن السفلیة و رواق خشب بداربازین خشبا و بوسط الرواق رواق بداربازین خشباً» (۲: ص ۴۳۱)

دیگر وجود کلمه «روشن» است در ذکر حمام به این عبارت:  
«وصفتها انها ذات الابواب الثلاثة المتفرقة اخدها فی الحد القبلی قبالة المدرسة الصالحية بعقود حسنه بالحجر النحیت بعتبة سفلی صوانا یغلق علی زوج أدراف نقی بمسامیر مفسلة و صفائح حدید علوه روشن حجر مضع نحیت من حقوق مکتب السبیل» (۱: ۳۴۶)

مصصح کتاب (محمد محمد امین) نوشته است:

«روشن یا روشن: الخرجات او البروز فی العمائر (بلکونات).

در وقف محمد بن قلاون مورخ ۷۲۶ باز ذکر روشن و خروستان هست:

«وفیه طاقات بابواب خشب مطلة علی المحجة و بجانب الروشن خروستان فیه سلم خشب

یصعد منه الی روشن فوق الروشن المذكور» (۲: ۴۲۹)

شاهزاده افغانان از لشکر خود جدا کرده و در کوهستانها پناهنده شدند  
 و چون با او بیعت کردند از او انعام و اجر بسیار دادند و در کوهستانها پناهنده شدند

بسیار از فرج انان جهان پیروز شد  
 آنجا بود ملاکت ز غم سسین  
 همه میبندید کون صورت سیمی ما  
 سجده بر دیم لبسک بصدکتم بصد

اما از سر و کار آیه صورتی جان کن  
 نیز در عهد جوانی خوش بود دوران کن  
 از عاقل کنش بر نفس نازان کن  
 بیشتر از سنگ درنگ و شد عیان کن

جان کن از تن بد چون در بر جان کن  
 در جوانی هر که دارد دور دوران کن  
 لیکن استیم جوان حکم حکم کن  
 دانکه از سر برم عیان در جوانی کن



حلقه زلف تو دیدم با هم افکارم  
 چه نغز الان عشق ندادم که دیدم کارم  
 خون داری و پند پیش که روز در کارم  
 رفت تمام جوانی و در خاطر خرم

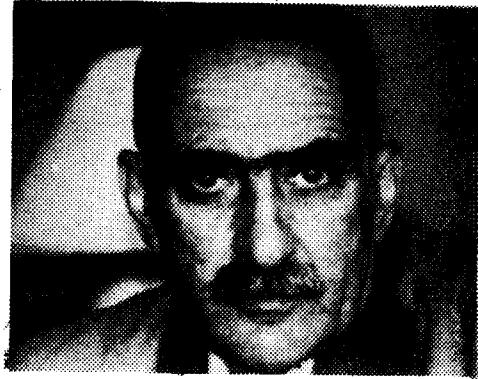
است دور دل دور و دلش و قیاس کن  
 که کند او هات حقوق خاندان بوان کن  
 کرد از خفا چون طالب سفران کن  
 باک ذرا از کرم او پیش روان کن

این همه دوری که برم از دهم آید بر  
 هر که هست از این فراق شرف تو که بر  
 نفس سیم کند کفایتی بود پیش نشان  
 بار بار دامن خرم از کنا او دور است



نقاشی اورومسکی از سولو ایرانی





امیر افشار

### فخری و فخر رازی

فکته Fekete از ترک‌شناسان دانشمند قرن اخیر، کتابی دارد به نام *Die Siyaqat - Schrift in des turkischen Finanzverwaltung* (نوشته‌های سیاقی در اوراق امور مالی به ترکی) که در دو جلد به سال ۱۹۵۵ در بوداپست چاپ شد. فکته از اهالی هنگری بود.

در مقدمه کتاب شرحی دارد در باره تاریخ سیاق و نقل این کلمه از دو سه متن عربی و فارسی، بیشتر بطور غیرمستقیم از نوشته‌های ڈزی Dozy و کاترمر. چون در یک مورد آن سهو عجیبی به مناسبت شباهت لفظی دو کلمه برو دست داده است که نزدیک بود خودم بدان دچار می‌شدم و اشتباه او را نقل می‌کردم آوردن آن مورد را خالی از فایده نمی‌دانم.

ڈزی عبارتی را از کتاب «الفخری» (منیة الفضلا نام واقعی آن است) نقل و نام کتاب را «فخری» یاد کرده است. فکته ذهنش از کلمه فخری به فخرالدین رازی منتقل شده و عبارت منقول از الفخری را به فخرالدین رازی نسبت داده است.

این گونه خلطها و سهوها روی آوردنی است و پیش می‌آید. اگر نوستم برای رفع اشتباهی از کتاب فکته است نه ایراد و طعن و دق بر او. از فکته مجموعه یکصد و یک سند و فرمان

(بوداپست، ۱۹۷۷) توسط G. Hazai به طبع رسیده است که امیدوارم موفق به معرفی بسیط آن بشوم.

### میرزا حبیب - میرزا آقاخان

با ذوقی تمام سراسر فهرست با برکت نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه استانبول را که دوست فاضل آن دکتر توفیق سبحانی با همکاری حسام‌الدین آق‌سو تدوین کرده و پژوهشگاه علوم انسانی چاپ کرده است ورق زدم و به یاد چند روزی افتادم که استاد مرحوم مجتبی مینوی (بهار ۱۳۳۶) بعضی از نسخه‌های آنجا را، به من نشان داده بود. مینوی آن ایام در استانبول مقیم بود و با اعتبارات دولتی از نسخه‌های مهم و ضروری عکس برداری می‌کرد و گنجینه عکسهای کتابخانه دانشگاه تهران را غنی می‌ساخت. باری در این فهرست تازه ۱۶۱۵ نسخه معرفی شده است.

بررسی فهرستی که از نام کاتبان نسخه‌ها در پایان آمده است مدتی وقت و ذهنم را متوجه بدان کرد که چه قدر حق و سهم گرانقدر کاتبان مجهول مانده یا گاه با افتادن برگ پایانی نسخه که قاعدتاً نامشان در آنجا مضبوط می‌بوده بکلی از میان رفته است. غافل نباشیم این کاتبان بوده‌اند که نوشته‌های اسلاف ما را به ما رسانیده‌اند.

من معمولاً از این گونه فهرستها نام یزدیهایی را که کتاب تألیف کرده یا نسخه‌ای کتابت کرده‌اند برای مجموعه «یزدیان» خود بیرون می‌آورم و بر برگه‌های گردآوری شده می‌افزایم. تاکی نظمی بیاید و کی چاپ شود. بدین منظور در فهرست می‌گشتم تا اینکه توجهم به نام دو کاتب ایرانی کشیده شد که چندین کتاب از هر یک از آن دو در مجموعه دانشگاه استانبول دیدم. این دو یکی میرزا حبیب اصفهانی (مترجم حاجی بابا) و دیگری میرزا آقاخان کرمانی (عبدالحسین) است. در کتابخانه مینوی عکس دو سه تا از مجلدات خط میرزا حبیب را دیده بودم ولی از فهرست کنونی عایدم شد که این دو فاضل چه همتها که در استانبول مصروف نکرده‌اند. تازه آنچه درین مجموعه از آنها باقی مانده باید مقدار اندکی باشد از کارهای بسیار آنان. آوردن فهرست آن نسخه‌ها برای علاقه‌مندان و مخصوصاً محمدحسین اسلام‌پناه نقل می‌شود.

از میرزا حبیب دوازده نسخه درین مجموعه هست و آنها مورخ به سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۹ قمری است. نام کتابها عبارت است از مرزبان‌نامه - دیوان سوزنی - خمسه خواجه - مجموعه دلگشای زیبا (منتخب اشعار) - کلیات عبید زاکانی - سرگذشت حاجی بابا - کلیات قاضی اصفهانی - دیوان البسه قاری - السامی فی الاسامی - شرح فصوص الحکم - مجموعه اشعار و فواید - مجموعه اشعار و ضروب امثال.



○ محمد امین رسولزاده

۳۷۵

از میرزا آقاخان هشت نسخه است میان سالهای ۱۳۰۷ - ۱۳۱۳ و نامشان اینهاست: دیوان عماد ققیه کرمانی - مجموعه دواوین به خواهش میرزا حبیب - ژیل بلاس ترجمه میرزا حبیب اصفهانی - آینه اسکندری - میزان الاشعار یا عروض سیفی - تحفة العراقین - وقایع سفر دکن نعمت خان عالی - مجموعه دواوین (نسخه دیگر).

محمد امین رسولزاده

به تازگی در باره این مرد عجیب و نویسنده «ایران نو» به مدرکی برخوردیم، و آن نامهای است از میرزا رضا خان تربیت از تبریز به سید حسن تقی زاده. درین وقت تقی زاده از ایران خارج شده و مقیم استانبول بود.

به تاریخ ۵ شهر جمادی الثانی

قبله گاما تصدقت کردم. ایزد پروز عریضة مفصل به تاریخ ۳ شهرج ۲ عرض کرده ام. امروز مطلب مهمی ندارم که قابل عرض باشد. چون امروز تعلیقه اخوی رسید و مکتوبی هم جوف آن بود که بایستی به قبله گاهی فرستاده شود نخواستم به روز دوشنبه بماند. همین امروز تقدیم می دارم. پریشب مخبر السلطنه استمفا داده است [والی آذربایجان بوده] مشهور شده است که

علاءالدوله می‌آید. بیرون رفتن رسول‌زاده واقعاً اسباب پریشانی او... [یک کلمه ناخوانا] گردید. نمی‌دانم ایران تو را بعد از این که اداره خواهد نمود. ثانی رسول‌زاده یک نفر در تمام ایران نیست. یقیناً ایران نو خراب خواهد شد. افسوس هزار افسوس. می‌ترسم که در روسیه نیز به مشارالیه صدمه‌ای وارد آورند. اگر خود را سلامت به اسلامبول برساند خوب است. از این بابت به فرقه ما یک لطمه بزرگی وارد آمده. مغلوب شدیم. یقیناً تمام این کارها از آتربیکهای اشرف الواعظین است. این... می‌خواهد به ریشه ما آب بیند. مقابله هم خوب نیست. پس چه باید بکنیم. این هفته به ارومی به میرزا محمود خان اشرف‌زاده نوشته استمزاج خواهم کرد که به رفتن طهران حاضر است یا خیر. چه مبلغی می‌گیرد اگر حاضر باشد گمان می‌کنم فرستادن او خیلی مناسب باشد در مقالات اساسی کمک می‌کند. اگرچه خیلی آتشین می‌نویسد به هر صورت بنده واداشتم جرائد تبریز و شفق در این باب مقالات نوشتند و باز دنباله و تعقیب خواهند نمود. تلگرافی که عرض کرده بودم در خصوص رسول‌زاده مخابره خواهد شد قرار بود دیروز بشود گویا دیگر مخابره نشود اگرچه مخابره آن خالی از اهمیت نبود. اگر مخابره نشود در روزنامه شفق با اسامی امضاءکننده‌ها درج خواهد شد. چاکر رضا. این عریضه را عریضه نمره ۲۱ حساب می‌کنم.

### کتابهای ایرانشناسی

تا چندی پیش کتابهای ایرانشناسی اروپایی آنها بود که خاورشناسان می‌نوشتند. اما سالهایی است که تألیفات ایرانیان به زبانهای اروپایی یک قلم قابل توجه در میان انتشارات تازه شرقشناسی به شمار می‌آید و هر کتابخانه تخصصی در این رشته، ناچار از داشتن کتابهایی است که به قلم ایرانیان است.

ایرج اتابکی پس از تألیفی که در باره «آذربایجان» انتشار داد فهرستی از مطبوعات فارسی و ترکی و عربی که در کتابخانه‌های باکو و شهرهای دیگر سرزمینی که تا چندی پیش به آذربایجان شوروی معروف بود، در کتابی گرد آورد. (با همکاری سولماز توحیدی) نام آن چنین است:

Atabaki, Touraj. - Baku documents: union catalogue of Persian, Azerbaijani,

ottoman Turkish and Arabic Serials and newspapers in the libraries of the Republic of Azerbaijan - London, Tauris, 1995. - XIV, 332 p.

دیگر تألیفی است از مسعود آذرنوش در باره خانه عصر ساسانی در حاجی آباد.

Azarnoush, Massoud: The Sasanian manor house at Hajiabad Iran.

Firenze: Casa Ed. Le Lettere, 1994. - VII, 251 p. (Monografie di Mesopotamia; 3)

از خانم نهال تجدد که نوشته‌هایش را در زمینه مانویت می‌شناسیم کتابی در باره یک

Tajadod, Nahal: le dernier album des miracles: chronique famille persane. - Paris: plon, 1995. - 343 p.

از کتابهای ایران شناسان ملل مختلف اروپا و آمریکا چند تایی را یادداشت می‌کنم.  
پیتر کریستن سن (البته آرتور کریستن سن دیگری بود) در کتابی با عنوان «افول ایرانشهر»  
موضوع آبیاری و محیط زیست را از پانصد سال پیش از مسیح تا سال ۱۵۰۰ مطرح کرده است.  
این کتاب رساله اخذ درجه دکتری او از دانشگاه کپنهاگ بوده است.

Christensen, Peter: The decline of Iranshahr: irrigation and environments in the history of the Middle East, 500 BC to AD 1500 / Peter Christensen. - Odense: Museum Tusculanum Press, 1993. - 351p.

از کتابهای تخصصی و جدی دو مجلد کتاب است از گپیرت در باره واژه‌های ایرانی در  
ارمنی و گرجی. (دو جلد)

Gippert, Jost: Iranica Armeno-Iberica: Studien zu den iranischen Lehnwörtern im Armesischen und Georgischen.

از تحقیقات مربوط به دوره هخامنشی براساس تحلیل منقولات هردوت کتاب هوگمان را  
باید شناخت. این کتاب رساله‌ای است که مؤلف برای اخذ درجه دکتری از دانشگاه توینگن  
نوشته است.

Hogemann, Peter: Das alte Vorderasien and die Achameniden: ein Beitrag zur Herodot - Analyse Wiesbaden: Reichert, 1992. - XVI, 430 zum Tubinger Atlas des Vorderen Orients: Reihe B, Gistes wissenschaften; Nr. 98)

تحقیقات یهودیگری و زردشتی گری باز از نوشته‌هایی است که به روزگاران باستان ایران  
مربوط است.

Neusner, Jacob: Judaism and Zoroastrianism at the dusk of late antiquity: how two ancient faiths wrote down their great traditions. - Atlanta, Ga.: Scholars Pr., 1993. - XII, 202 - (South Florida studies in the history of Judaism: 87).

بحث در باره شرق شناسی از مطالبی است که پس از کتاب ادوارد سعید چندبار مطرح شده  
است. کتاب تازه درین باره عبارت است از:

Mackenzie, John M.: orientalism: History theory and the arts. Manchester: Manchester university press., 1995, -XXII, 252 p.

مؤسسه ایرانی «ایران کتاب» در واشنگتن کتابی از تاکستون استاد زبان فارسی در دانشگاه هاروارد درباره خواندن و فهمیدن ادبیات هزار ساله زبان فارسی منتشر کرده است. نامش و مشخصاتش این است:

Thackston, Wheeler M.: A millenium of classical Persian poetry: a guide to the reading understanding of persian poetry from the tenth to the twentieth century - Bethesda, Md.: Iranbooks, 1994. - XXVI, 186p.

از کتابهایی که برای تاریخ سیاسی عصر قاجار به بعد منتشر شده است تاریخ شرکت نفت انگلیس است در دو جلد به قلم ر.و. فریه. این کتاب حتماً مورد توجه مترجمان خواهد بود.

Ferrier, R. W.: The history of the British Petroleum company.

Cambridge: Cambridge Univ. Pr.

1. The developing years 1901 - 1932. - 1982. - 801p.

2. The Anglo-Iranian years. 1928-1954. J. H. Bamberg. 1994.

XXVI, 639p.

کتاب معروف «خوان نعمت» در غذاپزی هندی که در ۱۸۳۹ چاپ شده بود به تصحیح داوید شونور D. E. Schoonover در آمریکا نشر شده است.

The Khwan Niamut or Nawabi's domestic cokerly. Iowa city 1993.

1627

فواد سزگین با همکاری Mazen Amawi مجموعه‌ای از تحقیقات مربوط به جغرافیای تاریخی ایران و ماوراءالنهر را که در مجلات و نشریات اروپایی چاپ شده بود جمع‌آوری و در سه جلد منتشر کرده است.

Texts and studies on the historical geography and topography of Iran and Transoxania collected and reprinted by Fuat Sezgin. in collaboration with Mazen Amawi... - Frankfurt am Main: Institute for the History of Arabic - Islamic Science at the Johann Wolfgang Goethe Univ. - (Publications of the Institute for the History of Arabic - Islamic Science: Islamic geography: 1993. 269, 364, 351p.

«امپراطوری ایران میان رم و چین» نام ثانوی مجموعه مقالات است. درباره ساسانیان

Splendeur des Sassanides: l'empire perse entre Rome et la Chine (224-462): 12  
Fevrier au 25 Avril 1993/ [coord. B. overiaet]. Bruxelles: Musée Royaux d'Art et  
d'Histoire 1993. 310 p.

در سلسله انتشارات مرسوم به:

«مطالعات اجتماعی زبانی شمال پاکستان» که پنج جلد آن نشر شده مطالبی مندرج است که با زبانهای ایرانی ارتباط دارد و کتابخانه‌های تخصصی ایران (مثلاً فرهنگستان) می‌باید آن را دارا باشند.

**Sociolinguistic survey of Northern Pakistan / ser. ed. Clare F. O'Leary.**  
Islamabad: National Institute of Pakistan Studies.

1. Languages of Kohistan / Calvin R. Rensch; Sandra J. Desker; Daniel G. Hallberg. - 1992. - XXI, 263.

2. Languages of Northern Areas / Peter C. Backstrom; Caria F. Radloff. - 1992. - XXIII, 417 p.

3. Hindko and Gujari / Calvin R. Rensch; Calinda E. Hallberg; Clare F. O'leary. - 1992. - XXII, 305p.

4. Pasto, Waneci, Ormuri / Daneil G. Hallberg. - 1992. XVIII, 176.

5. Languages of Chirtral / Kedall D. Decker. - 1992. - XXII, 257p.

واقعاً مشتاقی تألیف رزق‌الله مشتاقی منبعی است حاوی اطلاعات مربوط به وضع زندگی پیش از سلسله گورکانی در هندوستان. ترجمه انگلیسی آن به قلم اقتدار حسین صدیقی انتشار یافته است.

**Waqi' at - i - Mushtaqi: (a source of information on the life and conditions in pre - mughal India) of Rizq Ullah Mushtaqi. Transl. and ed. by Iqtidar Husain Siddiqui. - New Delhi: Iddian Council of Histroical Research. 1993. 294 p.**

از اقتدار حسین صدیقی کتاب مستقلی هم از معرفی منابع فارسی و عربی در باره اوضاع روزگاران معروف به «سلطنت دهلی» منتشر شده است.

**Siddiqui, Iqtidar Husain: Perso-Arabic sources of information on the life and conditions in the Sultanate of Delhi / Iqtidar Husain Siddiqui. - New Delhi: Munishiram Manoharlal Publ., 1992. - XVI, 199p.**

فهرست جدیدی که از نسخه‌های خطی فارسی موجود در هندوستان انتشار یافته است عبارت است از:

**Niazmi, Akhtar Hussian: Catalogue of Persian manuscript and record in the Shri Raghubir library, Sitamau. Delhi: Idarah-i Adabiyat-i Delhi 1993, VII, 230)P.**